

تأثیر محیط در ادبیات

۲-۲

محیط یک ملت، نفسی که نور است طبیعت از قبیل آب و هوا، غذا، صنایع
 و موارد فرقیته بآن، از قبیل زراعت، کار، دین، افکار، علم و ادب، اسباب و موارد^۴
 تاریخی و سیاسی مربوطه بآن. از قبیل غالبیت آدنیویسم، اهلانیت،
 و اضلاع و غیره. این جمله که ما آنرا محیط نام می‌دهیم تاکنون^{۵۰} استوار
 ادبیات بجز آنکه ادبیات روح افکار و آثار ادب و دین و اخلاق معاشرت
 و موارد عمومی و افکار ادبی یک ملت را مشخص و معلوم نماید.

در حالی که که متأخر دین و طبیعت، این را از عمیق و صفا
 سبباً می‌باشد. از آنکه این سببها سببها می‌شود تا سببها
 سببها را طبیعت خود را در وصف من متأخر در باب کار برده. اگر ما نگاه
 بکنیم که منتظر از دین و طبیعت صادقت است، او صفت بگردد آنکه در این موارد
 صفت آن منتظر را بر این بار در وقت خود نگاه دارد و نکته واقعی نام و نامی
 از آنرا بر این موهبتان خود بیخبر نباشد و صفت آنرا با این است (وقت بدون
 انحراف، شمس جان چیزی که در مقابل او است بر سرش می‌گذرد در سببها

" و در گوشت که بر سایر معجزات اثرات آرزو طبیعت بوده و در حال طبیعت امکان نقد
 در زینت چیزی پیدا نیست آنقدر که در مجموع در صورت نقد در نهایت دفعه طبیعت
 زینت کرده که محض میند آنگهی بگشاید در زینت احوال و زینت زینت کرده و
 باید که در دفعه عمر بگذرانند در حال طبع و در سایر ممالک دفعه طبیعت
 شد است اما در آن در وصف حال طبیعت و شگفتی آن از آن وقت خود راه انداخته
 و در عرفی خبر که هم در بر آید آن حاضر و آید که احوال خود زینت در در حال
 شایگان از ادبی چنین است که در نفس او وصف یک شکل زینت یک دفعه تاریخ
 و یک افعی برداشته در آنجا که خبر که خال از افراق و شایگان تا بوساله
 از اصل مریض صبیق در آنجا حکایت نمایند و در آنجا و بالعکس در این است
 افروآت شامونه و شگفتی آن در در استعجابات و همی و زینت منظر اس
 کسان صلیبی و غیره تا باینهمه که در مورد " (۱۷۴)

در این باره در بیان چون از سایرینا طبعی محروم نیستند. اگر چه طبعی را
 است توغی بگشاید و در آنجا شایگان چنین است نه با و در آنجا که طبیعت
 زینت دارند هر چه میند تا افراق گوئی شایگان بر یاد رساندن عموال فرخنده و
 پیران ترک محض در دفعه در صفت خندان " در این است حکایت خواننده

تأثیر محیط در ادبیت

اضلاع محیط - محیط مختلف و تغییر نمونه - در درجه اول بویار اقم بید و کت
 محو زمین که یک دور آن ۱۲ هزار سال محیط است از آنم دارد با عمل دیگر از سن و کت
 سن ریاضه؟ بعد از آن محیط و کت آن تغییر کرده
 و این اقتدا تا - موالی در تواریخ و باغچه و محصولات مردم
 یک از این لغات نمونه بتیله از اهل یک و جایگزینی بود و در آنجا آن کریم
 افکار و ادراک گونا گونا گوی - تغییر غذا و تغییر لباس و طرز زندگی مادی آنکه هم
 تابع تغییرات جوی و مقتضای با بود اما هم است لایمان و نیز در طول و
 اصحاب و بیره و عیان مردم در بزرگترین خنده و با نشسته هم چیز محض می شود .
 در درجه دوم - نسبت یک ملت یک طایفه محض و طرز زندگی
 یک ملت نیز در اول اول بر مذهب و افکار فرقی قابل طفر و استکف بر نفس عمر می شود
 یک ملت جنگی در برابر مذهب که ادرا از استعمال بلکه منع نهاده حافظه
 یک ملت حیال و غیر ملحد که از خود را تابع یک دین داشتن قبل مسیحا

تأثیر محیط در ادبیات - ۱۷

در درجه سوم - زبان و تنم و دیوار یک ملت و بسبب او او را در تنم با بیعت غده
نمایا و زین و ماتمین و بیعت بی بسالی و فقر علمی تقریر نمود

در درجه چهارم - قضا و سبک اقتصاد و وجود با عدم و سبب در ادبیات
لازمه زنده گمان و تنم یک ملت را از حالتی بحال و از نقص مکانی به
کمال نروال و نهائی میگردد. مثلا ماه می شود که یک تنم و کامیابی بزرگ و شعری
ملت نافع را با طهمان و دکتر است و او داشته و ملت مغرب را از خواب بیدار ساخته
و بفرجهای صورتی آنرا افه و به سران منافات متنبه میسازد

وین قضا با جزا قبض یک محیط کوهک تجع یافته و زفته زفته عقیده دما و
استعداد ملت نافع یا ملت مغرب، تأثیرات بزرگ و بزرگتر خود را در
حرف وسیله ملت شجاع و زورمند در ضمن تأثیرات یک محیط روزانه
و بفرجهای لطف نزل و انحطاط شایسته و ملت بیچاره است و در
در ضمن تأثیر یک محیط آفتاب بخشی و باز زاینه در دست در جهان بر فاشه
و لطف کب استعداد و تربیه مکرز و محقق و محقق حوت و ناله مگر

مکتب در ادبیات - ۲ -

مکتب در ادبیات - ۲ - مکتب مغرب که مجبور بوده است بنا بر آن -

فقطناک دلست مغربیت تن در ذالعه و از نگر انتقام و حیران بد بخش نیز

منفرد بود، هفتی مله شعرها که ندارد - بجهت بهامت و روز آرزائی بیافس

گذشتت الهوانان و تا تخمین در استار لودنست. بر مکتب حاضر ای شعر روزها

عشق، بدبختر هانس، اعظم صدام، هر صابرین، آقا عت، رحال از تو ابدال

بی بدر دنیا، پرست و انتقام روز غرا، دنگی در وقت است، آسانتر

مرد بعد از تو که در به و پایه نختان در است

یک نام عاشق در یک مکتب مغرب و ستمی برتر از ستمانی عشوق

و درگ عاشق گمن در آنه و یک نام عاشق در یک مکتب فایح و صیگر ابتر

از ستم وصل و لذت در ارار و صداقت عشوق که ستمانه - این حال

مکتب است که در مکتب این دو نام در مکتب معارف و مخالف را پروراند و

در حقیقت است که غایت و خویشت مغربیت را تا اتمام حیات

مستتر و صحت ادبی این دو نام تا نگر دالم و ستمان تا نگر عشوق را از

نزدک خاندان آن دو لکل غزل بدون دستاورد

ادبیات ما را، در عو سامانان و غیر توانی و صلاحه دارا

روح علمیه و در عو مغول دارا روح دیگر و در او او صغریه و او ای با جاره

تأثیر محیط در اویات

دارای روح جدا بانه بویع و امروزه علم دیگر دارد که میگوید از این حالات بایم
بشناسند

رودکی شاعر و کاتب کوفی

که طایر است خرفانه و باد	سازد ز با بساوه چنان ساد
فرزگشته کند باده باد	ز اندک سادگان بنیاد بود
باید شیر آرد هر چه ماد	اورد ماد را است اینچنان و خوسر
گویی که آنکه او بخورد و نداد	شیر کند آنکه او نداد و بخورد

شاعر در شعر بویع که فرموده است ما میانای درصای اعدا خود را علمی نمونه
و روز خود را در راهت و در داد و دین و تقسم تمام شده بودیم
اینست که کاپر و آنی در وصف و بی مکر و عدم برده و جز لال و شمشیر فواید داد...

ماد را از لایبان آید می	در شعر بویع بویع سال آید می
یا ما را بویع سال آید می	رنگ آید می و در شترای آن

در اینها نیز بعضی بویعانی حقوق داشته و از خودی و شمی را از نوازند و بداند

تأثیر محیط در ادبیات

۱۷۰۲

کودمان دارم سگ کسیران این گام
نزد دارم که بیو بریم بیستم بحرم

مردگان دارم خودم که برام بکنند
سم دارم که بیو بریم بحرم بدین

دل سحر بیگانه

زخم از دست خود و میان داد
حال ترین خود دم بر باد

آدم تا غنا که گرم
ملک گو تو و آدمی ندی

دنیای ما خود تر گوی

نیشم و سر بیتر گوی

سحر با لنگه نوز نزه مقویست
بدر آمار را استقام کمونه
رفتار را بر تعصب مقصود بر صغیر دیده
صبر کردن و دل با خود

بهر از سحر سحر مقرب مفعول خود را سگ بار غلام حلقه بگیر
گدا خاک راه، فزونی کعبه نقش راه خوانند مفعول را مال
سفاک و خود را گشته سگ بر تر ز من نام میدارند

تأثیر محیط در ادبیات - بار

سبب بی ادبانه بودن شعر که قسمتی از ادب است آنرا نیز در مجال ما سده اول است
لکن بر از فتنه منقول از بین زنده و فطرت صغیر دستگاه آ و مخصوصاً دستگاه
عزیز اثر سور و صعبات آن باقی مانده و الا فیر امروز دیده میشود که اگر کسی مصوب
بوسیله ایران نبوده آوار ساز و زمرنه خوانند و آینه شود ضلالت میکند آنرا غرض
دارند و نوم نمیتواند

مان قسم که دستار ما فقط سعاد و عافرانه شده است با نظر هم امکان ماند که
دفعین و صغیره را با باریک دیگر آنرا و صیغه را نام عمود و متفکر داند و بگفت
که در برعکس با نظر که دستار یک سوته را آسانی خوش زده است و بی رتبه
در صغیره را آرا هم سخن در غنچه است و در شعر آسان نبرد است و مکرر و صیغه آن
آنها نیز گن به جو تجویز و بی غم دانند و در (۱۷۷)

این است تأثیر محیط و این است مادر ادبیات و بیکی مادر بیو تقیر
و مع ادبی ملت خود بخوابه لوح فر محیطی که ملت را در بر این خود نشاند و آنرا
تعلیم میدهد

بر این اصلاح ادبیات یک ملت به اول با صلاح محیط خود یافت

باید آملت را طوری داد که مردم بتوانند فتح کنند

تاریخ مخطوط در ادبیات - چهار

توانه نزهت آموخت و از اوردن دست راستش صفت را چسبید و با الفظه خود می

دیگر بنام کاتبه کند

تقلید موقت از او مائت تقلید ادبیات - مثل آنکه اصل تقلید یکم از ایزدین
باینده است از آن مائت که آن یکی گفتار زیور با مادر ابیا کرده و این یکی گفتار
مرصع آموخت که کرد. نه آن کودک از آن گفتار با یاد و نه این خادم از این
گفتار آموخته است. (صغیر ۱۷۸) چهار

гораздо интереснее и значительнее
 издававшиеся в то время журналы. Из
 них действительно исключительное влияние
 представлял «Банеш-Кяде» (храм знания;
 редактором-издателем которого был
 'Abbas. Без преувеличения можно сказать
 что до сих пор подобного журнала в Персии
 еще не бывало. Кроме интересного художе-
 ственно-литературного материала (в том
 числе стихи замечательнейшего поэта
 Персии за последние годы - Уредж-Мырзвы)
 журнал публиковал значительные статьи историко-
 литературного характера, среди которых
 выделяется талантливое введение в историю
 персидской литературы, принадлежавшее перу
 молодого тегеранского ученого Эббаса Аштияни.
 От полноты «Банеш-Кяде» держался в стране
 На работах его соавторов, вообще, достаточно
 заметно влияние того нового европейского подхода
 к теме, образцы которого были даны в трудах
 постоянно проживающих в Европе персидских

интерангулозо муга.

Первий номер баиш 21 апреля 1918 з.,
последний (11-12) 20 апреля 1919 з.

1 ф. 100/1